

تعدد همسر

موافق فطرت است

زن جوانی که صاحب فرزند نمیشد و از این بابت بسیار رنج میبرد ضمن مراجعه بشبههٔ يك دادگاه حمایت خانواده تبریز اظهار داشت: من از شما میخواهم اجازه گرفتن زن دیگری را بشوهرم بدهید ... سپس اضافه کرد :

البته خیال نکنید که من شوهرم را دوست ندارم و یا با یکدیگر توافق اخلاقی نداریم بر عکس من و شوهرم از هم دیگر هیچگونه گلایه ای نداریم و شاید خوشبخت ترین زن و مرد روزگار باشیم ولی بخاطر علاقه زیادی که بشوهرم دارم نمی خواهم او را ناراحت به بینم زیرا او که گناهی ندارد نباید در آتش بی فرزندی بسوزد ... من از شوهرم خواستم زن دیگری اختیار کند ولی اون پذیرفت و چون با مخالفت شوهرم روبرو شدم بدادگاه حمایت خانواده مراجعه کردم تا اجازه گرفتن زن دیگری برای شوهرم کسب نمایم! من تعهد می کنم که بازن دوم همسرم بسازم و کاری کنم که همه ما خوشبخت زندگی کنیم ...

اطلاعات شماره ۱۳۰۷۵

زن دیگری در مورد انتخاب شوهرش همسر دیگری برای خود، چنین اظهار نظر کرد :

چند سال پیش شوهرم برای اینکه دو فرزند برادرش بی سرپرست نمانند مرا به مسری برگزید اولین فرزند ما فقط یکماه زنده بود ... چون تصور میکردم علت مرگ و میر فرزندان نقصی در وجود من است و از طرفی شوهرم را که سنی کمتر از من دارد از این بابت افسرده خاطر دیدم ، تصمیم گرفتم برای شوهرم همسر جوانی پیدا کنم ! این موضوع را قبلاً با شوهرم در میان گذاشتم و

باتلاش زیاد موافقتش را جلب کردم... اطلاعات شماره ۱۳۰۹۱

* * *

این دو نمونه است از اعترافات زنان در مورد رضایت با انتخاب شوهرشان همسر دیگر بلکه تحریک و تشویق آنان شوهران خود را بازدواج مجدد! که در مطبوعات منتشر شده است گواینکه روی بعضی از اغراض عقلایی از قبیل نداشتن اولاد و جلب رضایت شوهران خود و عدم ایجاد درختن در بنیان خانواده و غیر آن انجام گرفته است ولی اینگونه اعترافات صادقانه که نظیر آنها را زیاد در مطبوعات می خوانیم همه و همه بخوبی ثابت می کند که قانون تعدد همسر یک قانون خلاف طبیعت و فطرت نمی باشد و لذا ملاحظه می کنید که زنان با کمال میل و علاقه بشعبه های دادگاه حمایت خانواده مراجعه میکنند و حتی برخلاف علاقه شوهرانشان اجازه انتخاب همسر دیگر را برای آنان می گیرند!

حتی مسأله فطری بودن این قانون که برای هرا اجتماع سالمی ضروری میباشد گاهی بعدی میرسد که از بزرگان کلیسا و اسقف ها که مطابق دستورات کلیسا ناچارند با این قانون روی خوش نشان ندهند و همواره با آن موافقت ننمایند، در مقام دفاع از این قانون بر می آیند و برخلاف تعلیمات ارباب کلیسا با آن موافقت می نمایند چنانکه اسقف مسیحی (اودوتولا) از آبیادان نیجریه با کمال صراحت از قانون تعدد همسر دفاع می کند بطوریکه در جلسه اسقفها که در «تورنتو» تشکیل یافته بود صریحاً گفت: «غریبها با محکوم کردن این قانون ریاکاری می کنند زیرا آنان با طلاقهای متعددی که انجام می دهند همین رویه را در حقیقت انجام می دهند». (۱)

دانشمندان و علماء و روانشناسانی که در مسأله خانواده و طرق تحکیم آن مطالعاتی دارند صریحاً اعلام می دارند که قانون تعدد همسر یکی از قوانین عادلانه بشمار میرود چنانکه یکی از دانشمندان بنام «میولوپلاس» می گوید: «من قانون تعدد همسر را تجویز می کنم و یکی از محققین امریکائی بنام «پروفیسور داسلی» در جلسه کنفرانس دانشگاه کالیفرنیا که بمنظور بحث و گفتگو در اطراف تلاش افراد خانواده ها برای حفظ موجودیت خانواده ها تشکیل یافته بود گفت: «ازدواج بایک زن و انتخاب یک زن برای تمام عمر غیر طبیعی و نامعقول می باشد» و بعد از مذاکرات و ذکر مطالبی چند در این باره از گفته خود نتیجه گرفت که «انسان باید قانون تعدد همسر را بعنوان یک عامل مهم تنازع بقاء بپذیرد» (۲)

در اینجا سئوالی باقی می ماند و آن اینکه اگر قانون تعدد همسر موافق فطرت و طبیعت

(۱) کیهان ش ۶۸۳۵

(۲) پست تهران شماره (۳۱۰۴)

است پس چرا اکثر زنان با این قانون موافق نیستند ؟

جواب این سؤال را در شماره قبل اجمالاً گفتیم که منشأ اصل مخالفت اکثر زنان با این قانون نه از این جهت است که این قانون مخالف فطرت است بلکه از این جهت است که اکثر مردانی که همسر دیگر دارند ، بوظائف و حقوق شرعی خود از قبیل مراعات شرط عدالت بین همسران خود و غیر آن عمل نمی کنند و نسبت به حقوق آنان ظلم و تعدی روا می دارند و چنانکه خواهیم گفت اسلام این بی عدالتی ها را از ناحیه مردان هرگز جایز ندانسته و آنان را ملزم کرده است که به حقوق شرعی و انسانی خود عمل نمایند .

اعترافات منصفانه

از آنجا که این قانون يك قانون فطری می باشد ، اسلام نیز آنرا مورد تأیید قرار داده و نظام خاص نوینی در تشکیل خانواده و تحکیم اساس آن ایجاد کرده است .

اهمیت و ارزش این قانون اسلامی وقتی بیشتر ظاهر می شود که اعمال غیر عادلانه اعراب زمان جاهلیت در عربستان ، مقارن طلوع اسلام ، مورد مطالعه دقیق قرار گیرد .

مطابق تواریخ معتبر موجود ، مقارن پیدایش اسلام در عربستان ، هرج و مرج عجیبی در امر ازدواج و کیفیت آن و از لحاظ تعدد همسر ، وجود داشت بطوریکه مردان کاملاً بخود حق میدادند زنان غیر محدود برای خود انتخاب کنند بدون اینکه ملاحظه قدرت مالی و عدالت و غیر آن را بنمایند و این روش جاهلیت سبب شده بود که مقام و ارزش زن باندازه زیادی پائین آمده و حقوق حقه آنان پایمال گردد ، ظلم و تعدی به حقوق مشروع و انسانی زنان مورد ملاحظه واقع نمیشد و اراده مطلقه مردها بر زنهای عصر جاهلیت ، عرصه را بر زنان آنروز تنگ گرفته آنان را مثل اسیر و برده خود قرار داده بودند و همین تعدی و تجاوز به حقوق زنان سبب شده بود که دامنه انواع انحرافات و تمایل بفساد در میان مردم عربستان گسترش پیدا کند .

اسلام برای اینکه باین ظلمها و ستمها و هرج و مرجها و فساد ، خاتمه دهد و ارزش و حقوق انسانی از دست رفته را به آنان برگرداند ، در تعداد انتخاب همسر قانون طبیعی عادلانه ای وضع کرده و حد معینی با شرایط خاصی برای آن مقرر داشته است .

با این وضع این قانون نه تنها در صدد اصلاح وضع نابسامان اجتماع آنروز عربستان از لحاظ کنترل امور جنسی و غیر آن برآمده است بلکه با عمل به آن میتوان از انحرافات جنسی امروز که در بعضی از موارد بمرحله جنون نیز رسیده جلوگیری کرده جامعه ها را از فساد و هرج و مرج در امور جنسی مخصوصاً نسل جوان اروپا و آمریکا راکه در آتش طغیان جنسی میسوزند نجات داد ؟

زیرا بر هیچ کس پوشیده نیست که مسائل سکسی در اروپا و آمریکا راستی غوغا کرده و مشکلات زیاد اجتماعی و خانوادگی و... پدید آورده است و ما در شماره های آینده بررسی این مسأله خواهیم پرداخت. در خاتمه لازمست اعتراف منصفانه یکی از دانشمندان بنام اروپا را در مورد عادلانه بودن قانون تعدد همسر در اسلام و انحراف های جنسی در دنیای غرب از نظر خوانندگان عزیز بگذاریم :

گوستا ولبون فرانسوی در کتاب تمدن اسلام و عرب می نویسد :

و این مسخره است که بقانون تعدد زوجات بتوان انتقاد کرد ، اصولا واقعیات را چه کسی قادر است کتمان کند ؟

ما مردم اروپا و آمریکا عملاقانل به تعدد زوجات هستیم زیرا هیچ يك از ما مردان به يك زن قناعت نکرديم و نمیتوانیم تعهد کنیم که قناعت کنیم ولی خنده آور است که از لحاظ قانونی به تعدد زوجات قائل نباشیم و شاید گروهی از ما نداشتن چنین قانونی را نوعی از خوبی اخلاق و مدنیت بحساب آوریم . آیا این اعمال سالوسانه و آیا این زناهای نامشروع ما غربیها و اروپائیان از عمل رسمی و قانونی مسلمین که با رعایت و رعایت وجدان ، تعدد زوجات را قانونی شمرده و در صورت نیاز با زن دیگر رابطه همسری مشروع برقرار می سازند بدتر نیست ؟

خواهش می کنم سعی کنید و از وجدان خود کمک بگیرید و پاسخ گوئید و آیا ما که فقط پیمودن راه فحشاء را امضاء کرده ایم از نظر بشریت و تمدن جلوتریم یا ملل اسلامی و تعالیم آنها ؟

هدف اسلام در قانون تعدد زوجات فقط برای جلوگیری از فحشاء و بقاء نسل بشری است و هم برای رعایت بهداشت و جامعه از فساد نه اینکه لذت بردن مردان و تحقیر کردن زنان و حق کشی از آنها باشد اما متأسفانه بعضی قضاوت اشتباه کرده اند .

در شماره آینده اصل تشریح این قانون در اسلام و شرائط آن را مورد بررسی قرار می دهیم .

رشوه خوار و رباخوار

هر گروهی رشوه خواری میان آنها رایج گردد و وحشت و ترس بر آنها مسلط میگردد ، و هر گروهی ربا در میان آنها شایع شود گرفتار کمبود مواد غذایی خواهند شد

پیغمبر اسلام (ص)